



مصاحبه ها رسول پناه را قلقلک داد تا بیشتر حرف بزند

زمان ما هم پول بود اما حساب و کتاب داشت

با پول کشاورزی که گاوش را فروخته تا فرزندش دانشگاه آزاد برود بازیکن خارجی می خرند

عبده مالک بود نه کارمندی که از خود پرسپولیس حقوق بگیرد

از انتخاب انصاری فرد هنوز پرسپولیس دارد ضرر می دهد

هستند ایشان سمت و دفتر و دستک دارد..

من فقط می دانم این اواخر ایشان رئیس تربیت بدنی دانشگاه آزاد بودند و از ارتباطات سیاسی شان خبر ندارم.

بله این اواخر بودند، بعد از اینکه آقای میرزاده رئیس دانشگاه آزاد شد. اولاً می خواهم بیرسم ایشان که دغدغه مردمی دارد دانشجویای دانشگاه آزاد از قشر بالای این مملکت هستند یا پایین؟ قاطبه شان از چه قشری هستند؟ چه شد که در هر ده و دهستان و روستای دور دستی همه می خواستند بروند دانشگاه آزاد؟ بنده خدا روستایی گاوش را می فروخت تا فرزندش در دانشگاه آزاد درس بخواند. حالا در این شرایط مسئول باید هزینه ها را کاهش دهد یا افزایش؟ مگر خودش را مردمی نمی داند؟ مگر غیر از این است که باید کاری کند تا هزینه ها را کاهش دهد؟ آیا دانشگاه آزاد با پول هموطنان عزیز باید برود بازیکن خارجی بگیرد؟ اصلاً فلسفه دانشگاه آزاد یعنی چی؟ یعنی تیمداری و قهرمانی؟ ممکن است من این را بگویم بعد بگویند در آمریکا بسکتبال نیست ها یا بازیکنان را گبی از کالج ها می آیند و حرفه ای می شوند. حالا اینجا که رسید خودمان را با آمریکا مقایسه می کنیم؟ بدبخت کارگر و کشاورز و برزرگر، گاو و گوساله اش را می فروشد تا فرزندش برود درس بخواند بعد شما پول هایش را برگیری و وارد حلقوم خارجی کنی؟ تو که هی می گویی نباید سیاسیون وارد حیطه ورزش و فوتبال بشوند بارها گفته ام در زمان مدیریتش در فدراسیون سیاسی ترین هیأت رئیسه تاریخ فدراسیون فوتبال را داشته. اصلاً آفتاب آمد دلیل آفتاب. هر جا اشتباه می کنم بگویند.

من که خاطر من نیست اما شما بگویند چه کسانی عضو آن هیأت رئیسه بودند؟

آقای سردار یعقوبی مقدم قائم مقام آقای قالیباف در نیروی انتظامی، آقای شجاعی برهان که آن موقع معاون وزیربازرگانی بودند. یعنی آقای شریعتمداری وزیر بود که نیامد و شجاعی برهان آمد. حمیدرضا آصفی را هم که می شناخید.

بله، سال ها در وزارت خارجه سخنگو بودند و سفیر هم بودند.

بله، آقای سازگار نژاد چطور؟

بله ایشان نماینده مجلس بودند.

دقیقاً. نماینده از شیراز. الان حرف توی حرف آمد اما می خواهم بگویم این آقا اخیراً با وقاحت هر چه تمام تر گفته مایلی کهن بهایی است.

پس مشخص شد آن حرف زشتی که قبلاً گفتید را ایشان زده. کجا بوده که چنین حرفی زده؟ نمی دانم. برگردید صدایش را پیدا می کنید. با نامردی تمام گفته. ببینید نامردی را به کجا رسانده.

شما با ایشان در پرسپولیس همبازی بودید. اواخر دوران ایشان شما وارد تیم شدید؟

نه تقریباً همان دوره بود. یک مقدار جلوتر از من بود. دو سال جلوتر. البته بازی نمی کرد. من که آمدم هفته اول در جام تخت جمشید با همابازی داشتیم و از هفته دوم مقابل برق شیراز من بازی کردم.

در حالی که خیلی هم جوان بودید. درست است؟

بله در آستانه ۲۲ سالگی بودم. بهمن ۵۴ بود که رفتم پرسپولیس.

باورش سخت است که چنین حرفی درباره شما زده باشند.

بله گفته مایلی کهن اینطوری است بعد من می گویم داستان چطوری است دیگر. وقتی می گویم سیاسی ترین هیأت رئیسه تاریخ فدراسیون را داشته، من می دانم همه چیز را از کجا آورده. می گوید من اینها را خریدم. بیهوشید شجاعی برهان معاون وزیربازرگانی بود. آن زمان ورود چای به مملکت ممنوع بود و وزارتخانه فقط به یکسری از تجار مجوز واردات می داد هر چند آن مجوز را به هر کسی نمی داد. امتیازها را با نرخ چند صد میلیون تومان که آن زمان پول خیلی زیادی بود به تجار می فروخت و پول درمی آورد.

ساختمانی هم که در دوره ایشان به عنوان ساختمان باشگاه به پرسپولیس هبه کردند دچار مشکلاتی شده. نکند با این ارتباطات به دست آمده باشد؟

مگر غیر از این بوده؟

البته ایشان آن زمان ادعا داشت که فدراسیون فوتبال فوق العاده درآمداست و وقتی هم رفتند، گفتند کلی پول در فدراسیون گذاشته اند.

ادعا که زیاد هست. همه ما ادعا داریم. اما آیا این حرف هایی که من زدم را ثابت نکردم؟ ایشان می گفتند سیاسیون نباید در فوتبال باشند اما آیا من برای شما دلیل قانع کننده نیاوردم که اینطوری نبوده؟

در اصل حرف شان حرف درست و اساسی است اما کسی که چنین ادعایی دارد باید خودش هم به آن پایبند باشد.

خدا پدیرت را بیامرزد. مگر رطب خورده را می شود از رطب خوردن منع کرد؟ ایشان ادعا زیاد می کند. اصلاً ما تبدیل به «ابر قدرت حرف» شده ایم اما «ابر قدرت عملکرد» متفاوت است. این آدم را شما الان بگو، می گوید رئیس اداره، می گوید من باید آنجا و آنجا هم باشم. خواهم این است این را دقت کنید. یادتان هست مسابقات المپیک ورزش کارگری چند وقت قبل انجام شد؟ فکر می کنم در ایتالیا بود. رفتند و موفق شدند. گفتند ایشان دخیل بوده اما اول گفت نه، من نبودم اما بعد که کامل مصاحبه کرد، گفت بروید با رئیس انجمن کارگری حرف بزنید. بعد شما

بروید ببینید هزینه های شان چقدر بوده. شمانگاه کنید در یک مقطعی چقدر درباره تاج صحبت کرد. بعد چی شد؟ تاج رئیس فدراسیون شد. یکم به گونه ای شد که تاج کاری کرد تا ایشان را معرفی کند به AFC و یک پستی که دقیقاً نمی دانم چه بود را بگیرد. بنده خدا تاج معرفی اش کرد اما حالا که تاج نیست و مشکل پیدا کرده بروید مصاحبه هایش طی دو سه ماه اخیر را درباره تاج بخوانید. ببینید چه جوری صحبت کرده. واقعا من نمی دانم چه بگویم.

اخیراً ظاهراً اتحادی هم بین ایشان و علی پروین ایجاد شده.

نه اصلاً آقای پروین اسم ایشان را نیاورده.

اما جلاستانی هم با هم داشته اند.

نه جلسه ای نبوده. یک دفعه هم اسمش را نیاورده. به هر حال داستان ما بماند برای یک وقت دیگر. بماند که ایشان در مسأله سر بازی شان چه اتفاقی افتاد. زمان جنگ که همه عزیزان شان را فرستادند و شهید شدند یا با جانبازی برگشتند، ببینید ایشان در آن مقطع چه کار کرد. من اینها را دیگر مسکوت می گذارم. یا اینکه ایشان گفته اند قبل از انقلاب در بازار بوده اند و بعد از انقلاب ثروتش کم شده اما رفته اند آنجا و چیزهایی فروخته اند اما اینکه ثروتش از کجا آمده، بماند. متوجه اید؟ اما همه جای نور و آشور می روند و دوست دارند به هر حال باشند. آن هم به هر قیمتی. البته ایشان منم منم زیاد می کنند.

بگذریم. یک مقدار هم درباره تیم پرسپولیس حرف بزنیم.

درباره چه چیزی از تیم؟

مسأله تعصب به پیراهن. اخیراً با جدایی شجاع خلیل زاده این بحث خیلی پررنگ شده. برخی می گویند بازیکن حق دارد به خاطر اختلاف نرخ دلار و ریال به پیشنهاد خارجی اش جواب مثبت بدهد و آینده اش را بسازد اما برخی معتقدند باید به تیم وفادار بماند. برخی هواداران می گویند شجاع که این همه از تعصب می گفت چطور لوگوی الریان را هم بوسیده و پرسپولیس را به دلارهای قطری فروخته.

من نظرم این است که در یک مقطعی این مسأله تعصب به پیراهن وجود داشت منتهی زمانه تغییر کرد.

خب آن زمان پولی در فوتبال وجود نداشت ...

نه اینطور نبود که نباشد. پول بود. من بارها گفته ام هر چه دارم اول از خداوند بعد از خدا بیامرز مادرم و بعد از آن از پرسپولیس بوده. شاید بگویند آن زمان پول نمی دادند اما من دارم می گویم اولین قرارداد من بهمن سال ۱۳۵۴ بود. در آن مقطع پیش قرارداد من ۱۰ هزار تومان بود و ماهانه ۱۵۰۰ تومان حقوق می گرفتم. تازه بعد از دوبازی حقوق ماهیانه ام را کردند ۲ هزار تومان.

درست بعد از آنکه بازیکن فیکس شدید.

بله دقیقاً. آن هم در آن خط هافبک. حالا چه کسانی بودند در آن خط هافبک؟ علی پروین بود، اصغر ادیبی، خدا رحمت کند محمد رضا خلعتبری، محمد دستجردی، خدا بیامرز ایرج سلیمانی بود و همین آقا رضا وطنخواه هم گاهی هافبک بازی می کرد. علیرضا عزیزی هم بود و پرویز قلیچ خانی هم آمد. با وجود همه اینها من رفته بودم در این تیم. آن مقطع با آن ۱۰ هزار تومان و آن حقوق می توانستم کلی از مناطقی که الان در آن زندگی می کنم را بخرم. می خواهم بگویم پول بود اما با حساب و کتاب بود اما حالا بدون حساب و کتاب است. این تفاوت است. چه جوری بگویم. زشت است اما الان بازیکن آرزویش این است بیاید پرسپولیس اما وقتی آوردنش طاقچه بالای می گذارد. آن موقع اینطوری نبود که هر ۶ ماه یک مدیرعامل در باشگاه عوض شود، آن هم مدیری که خودش حقوق بگیر پرسپولیس باشد. آن موقع باشگاه یک مالک داشت داشت به اسم آقای عبده. خودش مالک بود. این فرق می کند با شرایط الان. شخصیت حقوقی این آقایان قابل احترام است اما آقایان سعادتمند و رسول پناه و... کارمند هستند. حالا مشکلات هم که به وجود می آید بعد شمای نوعی یعنی جرایم دنبال این می روید که چه کسی مدیرعامل می شود. الان شما ببینید در مجلس آقای فدامالکی می آید صحبت می کند اما دست وزارت ورزش است. شما دنبال نمایش هستید. یعنی کل نماینده ها دنبال نمایش هستند. الان شما چند نماینده مجلس را اسم می شناسید چون اینها درباره فوتبال مدام صحبت می کنند. ببینید از کانال یک تا ۶ هر جامی ببینید آقای نماینده دارد صحبت می کند اما غیر از حرف کاری هم کرده اند؟ حرف را که همه می زنند، چه کاری توانسته اید بکنید؟ روزی که فدامالکی باید تصمیم می گرفت با چهار تا عکسی که از او چاپ کردند سرش را کلاه گذاشتند و ببینید پرسپولیس چقدر از این بابت و از این انتخاب ضرر کرد و هنوز هم دارد ضرر و زیان می دهد. در آن مقطع ببینید چقدر پول به آری هان دادند. بعدش چه اتفاقی افتاد؟ دوباره آقای سلطانی فرایشان را برگرداندند. بله، این حضور دوباره آقای انصاری فرد در سمت مدیرعاملی باشگاه که خیلی عجیب بود.

آن زمان مایلی کهن مدیرعامل نشد حتماً چون هیچ سابقه و تحصیلات عالی ای نداشت در حالی که همه پست های من ورزشی بود. من در دفتر مشترک امور فدراسیون ها بودم، در تربیت بدنی شمیران وری بودم، قائم مقام امور مشترک فدراسیون ها بودم، در دفتر برنامه ریزی سازمان بودم. اینها هیچ کدام با فوتبال و ورزش غیر مرتبط نبود. من نمی گویم آدم لایقی بودم اما الان مدیران باشگاه که کار مؤثری نمی کنند بیشتر از اینکه کار مؤثری انجام دهند برای نمایش خودشان فعالیت می کنند و دوست دارند دوباره انتخاب شوند.